

گردشگری

سنگ اندازی در مسیر ورود راهنمایان به بازار کار



رزوا احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

چندی است کمیته‌ای در اداره‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان‌ها تشکیل شده‌است و با راهنمایان گردشگری استان مصاحبه می‌کند که اعتراض بسیاری از فراگیران و راهنمایان را برانگیخته‌است و آن را سنگ اندازی بر سر راه ورودشان به بازار کار می‌داند.

در بند «ج» ماده ۲ «آیین‌نامه راهنمایان گردشگری»، مصوب هیأت وزیران که در سال ۱۳۹۴ رسیده آمده است: راهنمایان گردشگری برای دریافت مجوز باید در «مصاحبه عمومی و اختصاصی» موفق شوند و ادارات کل به استناد به همین بند شروع به انجام مصاحبه‌هایی به طرح سوالات غیراستاندارد کرده‌اند. هر چند که مسئول دفتر برنامه‌ریزی و آموزش در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، هدف از انجام چنین مصاحبه‌ای را شخصیت‌سنجی راهنمایان مطرح کرده است، اما از سوالاتی مانند: «اگر یک تروویست وارد تو می‌میل گردشگران شد به عنوان راهنما چه می‌کنی؟» چنین بر نمی‌آید که هدف تنها شخصیت‌سنجی راهنما باشد.

جناب آقای ضرامعی، شما درست زمانی تصدی وزارتخانه را به عهده گرفتید که راهنمایان بیش از دو سال است که بیکارند و هیچ توری بر گزار نمی‌شود. آیا به نظر شما صبح است با یک پرسش خط بطلان بر حدود ۱۰ ماه آموزش و گذراندن حدود ۳۰ واحد درسی و عبور از آزمون جامع کشید؟ بر اساس چه استانداردی راهنمای گردشگری را با چند سوال محدود، مشکوک و غیراستاندارد از ادامه کار بازمی‌دارید؟

گردشگری ماجراجویانه، طفل نوپای صنعت توریسم



شناخته‌شده‌ترین نوع گردشگری، گردشگری تفریحی است که مسافر با توریست برای تفریح و کسب آرامش اقدام به سفری آرام می‌کند تا آرامش از دست رفته خود بر اثر زندگی ماشینی و شهرنشینی را بازمی‌یابد. اما این روزها ذائقه گردشگران دچار تغییر و تحول شده و جمعیت جوان گردشگری اغلب به دنبال محرک‌های هیجانی بوده و به دلیل کسب تجربه هیجان به سمت سفرهای ماجراجویانه کشیده شده‌اند.

گردشگری ماجراجویانه شامل سفرهایی با هدف خاص برای کوش تجربیات جدید است. که اغلب، شامل ریسک کردن یا کنترل خطر همراه با چالش شخصی، در یک محیط طبیعی یا عجیب و غریب است. گردشگری ماجراجویانه علاوه بر همپوشانی هایش با گردشگری ورزشی، مستقیماً با طبیعت در ارتباط است پس گردشگر ماجراجورا نیز طبیعت‌گردی می‌تواند خواند. از آنجایی که جمعیت جوان گردشگر در ایران رو به افزایش است و به علت دنبال تجربه هیجان در داخل ایران هستند، رفتینگ یا همان قایق سواری در رودهای خروشان، غواصی، دره‌نوردی، صخره‌نوردی، پرواز با پاراگلایدر و اسکی خارج از پیست از انواع فعالیت‌های ماجراجویانه محسوب می‌شوند که گردشگران جوان زیادی برای کسب هیجان و تجربه آدرنالین در سر تاسر دنیا به سمت آنها روی آورده‌اند.

پس از واکنش‌ناسیون همگانی و از سرگیری سفرها با توجه به مقاصد هیجان‌انگیز ایران در جلب توریست ماجراجویی به نظر می‌رسد لازم باشد تاسمئولان به این طفل نوپای صنعت توریسم در ایران توجه بیشتری کرده و دست‌اندر کاران مربوطه با تمرکز بر این نوع سفرها و با فرهنگ‌سازی و آموزش‌های لازم در کشور، این نوع گردشگری را رواج داده و به آن رونق ببخشند.

دوری از ریشه‌ها از وجوه آسیب‌پذیری ادبیات مهاجرت است

عبور از تابوهای سرزمین مادری



حسین آتش‌پرور معتقد است داستان‌نویسان مهاجر در فضای متفاوت تابو‌هایی می‌پردازند که در سرزمین مادری‌شان وجود دارد. او دوری از ریشه‌ها و نبودن در زمین و خاک خود را از وجوه آسیب‌پذیری ادبیات مهاجرت می‌داند که به گفته او کم‌کم باعث فراموشی بخشی از فرهنگ نویسنده می‌شود. این داستان‌نویس در گفت‌وگویی مکتوب با ایسنا از وضعیت ادبیات مهاجرت می‌گوید: به این که چطور نویسندگان مهاجر در زمان و زبان جامی مانند ایشامی می‌کنند. این دوری از ریشه‌ها و نبودن در زمین و خاک خود کم‌کم باعث فراموشی بخشی از فرهنگ نویسنده می‌شود می‌گوید و این را معجزه ادبیات می‌داند که گذشته حسین آتش‌پرور را در ادامه می‌خوانید.

نمود مقوله مهاجرت در آثار ادبی (خصوصاً در آثار داستانی) را به‌ویژه در سال‌های اخیر چگونه می‌بینید؟

مهاجرت پدیده‌ای است که به عوامل بی‌شماری بستگی دارد و می‌باید از

زایه‌های گوناگون و در زمان‌های مختلف به آن نگاه کرد. پدیده‌ای که در دوران معاصر چه در داخل به صورت جابه‌جایی جمعیت و چه در رفتن به خارج شتاب بیشتری پیدا کرده. عواملی که باعث مهاجرت می‌شود به‌جز حوادث طبیعی مثل خشکسالی، هاسیل، زلزله، جنگ، توسعه‌نیافتگی و نداشتن امنیت به شکلی است. از طرفی بستر آماده سفرهای راحت‌تر نسبت به گذشته در جابه‌جایی انسان و مهاجرت‌ها می‌تواند اثرگذار باشد. مساله مهمی که در مهاجرت وجود دارد، این است که انسان مهاجر گذشته‌اش را با خود حمل می‌کند؛ زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و رخدادهای آن را با خود به این سو و آن سو می‌برد، هنوز در زمان و سرزمین مادری‌اش زندگی می‌کند و آشنخوری در مهاجرت می‌شود. در چنین موقعیتی است که او اینرسی سکون پیدای می‌کند. در دوران جدید نسلی از نویسندگان داستان‌نویسانی که پایه و بدنه اصلی ادبیات ما را تشکیل می‌دهند، کسانی هستند که در داخل مهاجرت کرده‌اند: نیما یوشیج، صادق چوبک، سیمین



در مهاجرت که دیگر سانسوری در ادبیات نیست، نویسنده مهاجر بیشتر به دنبال تابو زدایی‌هاست تا وجوه ادبی - هنری و همچنان این موضوع ور خداداد است که داستان را به پیش می‌برد

ناخواه گرفتار ریزش می‌شود. دیگر این که دچار محدودیت در ارتباط است. اگر چه امروز بخشی از این محدودیت با بودن فضای مجازی حل می‌شود، اما مساله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. همچنان که در قیل اشاره شد، در مهاجرت که دیگر سانسوری در ادبیات نیست، نویسنده مهاجر بیشتر به دنبال تابو زدایی‌هاست تا وجوه ادبی - هنری و همچنان این موضوع ور خداداد است که داستان را به پیش می‌برد.

فصلی ادبیات مهاجرت را به لحاظ امید بسه زندگی چگونه می‌بینید؟ فضای روشن یا همراه با ناامیدی و سیاهی؟

ادبیات در ذات خود امیدبخش و آینده‌ساز است. اگر خراب می‌کند، برای ساختن جهانی نو، شاداب و روشن است و این معجزه ادبیات است که گذشته را به آینده می‌رساند. انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند. این گوهر کلی ادبیات است و ادبیات مهاجرت هم که تابعی از آن است، نمی‌تواند جز این مسیر برود و نمی‌رود. اگر سیاهی با تیرگی را نشان می‌دهد، برای روشن کردن چراغ حال و آینده است. برای روشن کردن راه است. برای آن است که می‌خواهد جایی را سبز و خنده‌انقاشی کند. باغی سبز و خرم که همه در آن سهمی از شادی داشته باشند.

علوی درباره طرح‌های داستان «علویه خانم» هدایت صحبت می‌کرد بعد از گشتن به دنبال واژه مناسب از واژه «رسم» به جای «طرح» استفاده کرد؛ این هانشان دهنده این است که نویسنده در زمان و به تبع آن در زبان جامانده‌است و گوشه‌ای از آسیب‌های مهاجرت را در ادبیات‌نشان می‌دهد. در نمونه تجربه‌شده آن جمال‌زاده، بزرگ‌علوی، تقی‌مدرسی و ابراهیم گلستان بهترین آثار داستانی خود را در سرزمین مادری خویش خلق کرده‌اند.

آیامی توان تفاوتی در شیوه‌نگاه نویسندگان و شاعران به این مقوله نسبت به گذشته دید؟

-شرایط مهاجرت و مهاجران در هر دوره‌ای متفاوت است. بر همین مدار شرایط و موقعیت اجتماعی - سیاسی سرزمین مادری و سرزمینی که به آن مهاجرت می‌کنند هم متفاوت می‌شود، از طرفی شرایط جهانی، اینترنت و دوران فناوری اطلاعات را در دوسه دهه اخیر که انقلابی در ارتباطات به وجود آورده‌اند، نمی‌توان نادیده گرفت. هنگامی که در روز میلیون‌ها نفر در دنیای مجازی از مرزهای جغرافیایی بدون گذرنامه عبور و در جهان سفر و مبادله اطلاعات می‌کنند، مابه‌خانه‌نگاری در دیدگاه‌های خودنیز داریم. وقت آن رسیده‌است که مرز دیدگاه‌های خود را در تابو‌ها جا کنیم و با پافشاری بر گذشته‌ها باعث عقب‌ماندگی خود و دیگران نشویم. اگر خودمان نمی‌خواهیم متحول شویم، جلورشد دیگران را بگیریم. و ادبیات و فرهنگ را محدود نکنیم. فراموش نکنیم که جلورشد فرهنگ را نمی‌توان گرفت. فلسفه وجودی انسان در تحول و تکثر گرای است.

کیفیت غالب آثار ادبیات مهاجرت را در سال‌های اخیر در چه سطحی می‌بینید؟

برجستگی ادبیات مهاجرت در عبور از تابو‌هایی است که در سرزمین مادری وجود دارد. در کل، مهاجر چشمه‌اش سرزمین مادری و زبان اوست. وقتی از این‌ها دور می‌شود و فاصله می‌گیرد، چون در آن‌ها زندگی نمی‌کند، خواه

باعث گسترش واثر گذاری بر فرهنگ شد و ادبیات را به میان مردم آورد. به شکلی که محمدعلی جمال‌زاده در اولین اثر مدرن داستانی خود «یکی بود، یکی نبود» از مردم برای مردم و با زبان مردم نوشت. هر چند که قبل از اوزین‌العابدین مراغه‌ای در «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» و دهخدا در «چرند و پرند» این مسیر را برای ورود به زبان مردم هموار کرده بودند. جمال‌زاده، هدایت و بزرگ‌علوی در دوران جدید، اولین نسل مهاجرانی هستند که داستان‌نویسی ما را متحول کردند. نویسندگان زیادی به‌ویژه داستان‌نویسان نسل سوم در مهاجرت زندگی می‌کنند. دوری از سرزمین مادری بی‌شک در اثر گذاری کمی و کیفی آثارشان موثر است. این که چطور با جهان و ادبیات جهانی ارتباط داشته باشند، در خلق آثارشان باز تاب دارد و این به فریاد و خلاقیت آن‌ها بستگی دارد. نکته قابل تاملی که در داستان‌نویسان مهاجرت دیده می‌شود، این است که در فضای متفاوت تابو‌هایی می‌پردازند که در سرزمین مادری‌شان وجود دارد. تابو‌هایی که بیشتر رویکردی سیاسی، اروتیک و عقیدتی در راس آن‌ها قرار می‌گیرد. اما نکته‌ای را که نباید فراموش کرد این است که گاه پرداختن بیش از آن چه در داستان لازم است، داستان را از استاتیست خود به عنوان یک‌اثر هنری دور می‌کند و این در بعضی از آثار، بیشتر از رویکرد ادبی و هنری اثر به چشم می‌خورد. وجه دیگر آسیب‌پذیری ادبیات مهاجرت، دوری از ریشه‌ها و نبودن در زمین و خاک خود است که کم‌کم باعث فراموشی بخشی از فرهنگ نویسنده می‌شود. هنگامی که ابراهیم گلستان در برخی از گفتاراش از واژه «فرمیت» استفاده می‌کند، مشخص می‌شود که هنوز در زبان دهه ۴۰ و ۵۰ زندگی می‌کند و بی‌اهنگامی که بزرگ

دانشور، ابراهیم گلستان، احمد محمود، سعادی، برهانی، گلشیری، دولت‌آبادی، درویشیان، نسیم‌خاکسار، فرهاد کشوری، قاضی ربیع‌الحی، منیر و روانی پور، مندنی پور و ... به فرهنگ، زبان و سرزمین مادری‌شان وفادارند و بخشی مهمی از داستان‌نویسی و ادبیات ملی ما را ساخته و شکل می‌دهند که جایگزینی ندارد.

به خاطر داشته باشیم نویسندگان مهاجرت می‌کنند، انسانی اندیشمند و خلاق است. در هیچ کارخانه‌ای نمی‌توان انسان فرهنگ‌ساز و نویسنده ساخت. ماشین نیست که بشود از خارج وارد کرد. در ادبیات چه کسی را می‌توان جایگزین برهانی یا مثلاً گلشیری یا هر کدام دیگر کرد؟

بسته به شرایط، مهاجرت می‌تواند باعث دگرگونی و ارتقاء سطح آثار ادبی به‌ویژه داستان شود و نگاه ما را با جهان هماهنگ کند. همچنان که مهاجرت نسل اول داستان‌نویسی ایران چنین شرایطی را به‌وجود آورد و داستان‌نویسی مدرن ایران را پایه‌ریزی کرد؛ مسیری که

۹۰ تنبورن چهارقطعه را در تالار وحدت می‌نوازند

هستند. این گروه با اعلان فراخوان تشکیل نشده است و معمولاً از آکادمی تحت نظارت و تدریس این‌جانب انتخاب می‌شوند. در چند ماه اخیر به همراه این گروه بالغ بر شش ویدئو کلیپ ضبط و منتشر شده است که بیشتر آنها در دسترس عموم قرار گرفته‌اند. فرهنسرای نیلوران، تالار وحدت، کاخ سعدآباد

مشکل از ۹۰ نوازنده در تالار وحدت ضبط شده است. تهیه‌کننده و کارگردان این چهار اثر آقایان سعید و مسعود برزی هستند و ناشر آن نیز «هفدانگ» خواهد بود که به‌زودی به صورت صوتی و تصویری منتشر خواهد شد. رضا علی‌آبادی، در ادامه گفت: اعضای گروه جامی، اعضای ثابت و همگی از شاگردان بنده

گروه بزرگ جامی به سرپرستی رضا علی‌آبادی با همراهی ۹۰ نوازنده تنبور در تالار وحدت چهار قطعه را ضبط و به‌زودی منتشر خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، سرپرست گروه جامی درباره آخرین فعالیت‌های این گروه توضیح داد: چهار قطعه به آهنگسازی بنده به همراه گروهی

رونق تئاتر در روزهای زرد کرونایی

محمدی، سید جواد حسینی، شهرزاد آقایی پور، مهتاب محسنی، سیامک زین‌الدینی، رضا جوشنی، رامین قربانی به عنوان بازیگر حضور دارند.

در تماشاخانه محراب، نمایش «رختشور شاه» به کارگردانی علی یدالهی روی صحنه رفته است. به گفته ایسن کارگردان «نمایش رادوسال قبل برای جشنواره نمایش سنتی آماده کردیم و از آن زمان چهار بار نوبت اجرا گرفتیم و به خاطر شرایط کرونا عملی نشد. به خاطر تعهدی که به مخاطبانمان داریم در این زمان کار را روی صحنه آوردیم.» نمایش «رختشور شاه» یک اثر سیاه‌بازی است و در این نمایش هنرمندانی همچون علی بیگ محمدی، جواد انصافی، نگار مقدسی، کاظم برزگر، آرتانوری و فاطمه مجتبی گوهرخانی، آرزو کریمی‌زند، سمانه‌ابن علی، شقایق بهرامی و الناز میرزا ایلی‌ای نقش می‌کنند.

نمایش «شب طولانی بلدا» به کارگردانی ناصر آویژه نیز در تماشاخانه مهر حوزه هنری روی صحنه رفته است. این نمایش پیشتر در تماشاخانه سنگلج اجرا شده بود. علی یعقوب‌زاده، رها آویژه و عباس افشاریان بازیگران این نمایش هستند.

نمایش «زنانی با چمدان‌های پراز شکلات» به نویسندگی و کارگردانی حسن غلیمچی دیگر اثر تازه بازار تئاتر تهران است. این اثر باضور لیلا دانشتیار از ۲۶ آبان تا ۹ آذر ماه در سالن استاد مشایخی روی صحنه می‌رود.



ماه آبان برابر با بازگشت حداکثری سالن‌های تئاتر به چرخه اجرا و میزبانی مخاطبان بوده است. در حالی که نمایش «قتل در کاخ» به کارگردانی پوریا جعفرپور کاشی و بر اساس متنی از جان‌اتان سبیر، در تماشاخانه سپند به سبب استقبال مخاطبان تا پایان آبان ماه تمدید شده است، یک گروه کرچی برای اجرای در سالن شهزاد راهی تهران می‌شوند. «کمپانی مرگ» عنوان نمایشی است به کارگردانی امیررضا ملکی که با حضور امیرعلی الوسی، الهام احمدی، کیوان احمدی، نوید احمدزاده، رضا بابایی، دنیا خوشنوسو، نسیم سروش، امیر شیخ زاده، علی غفاری و نیشوارضوانی به‌زودی روی صحنه می‌رود. این نمایش که برگزیده جشنواره تئاتر استان البرز در سال ۹۸ است و سجاد افشاریان تهیه‌کنندگی آن را بر عهده گرفته است.

در تئاتر شهر اما چند روزی است «بانوی محبوب من» گلاب آدینه روی صحنه شهر اما چند روزی است. نمایش موزیکالی بر اساس فیلم «بانوی زیبای من» جورج کیور که قرار است در آذر ماه به همراه «بیماری خانواده میم» به کارگردانی سروش طاهری در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر میزبان مخاطبان تئاتر باشد.

نمایش «بابا آدم» به نویسندگی و کارگردانی لیلی عاج تازه‌ترین نمایش تئاتر شهر است که چهارشنبه هفته گذشته در تالار چهارسوا اجرای خود را آغاز کرده است. در نمایش «بابا آدم» جواد پورنژاد، الهام شعبانی، حمید

معرفی مدیران اجرایی دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی مجازی

بهرام بهیمهانی، پویک عظیم‌پور، نازیلانوریشاد، زینب لک، شیدا لطفی، فریما رضاییان پور به عنوان مدیران اجرایی جشنواره معرفی شدند.

بهرام بهیمهانی کارگردان و بازیگر و مدرس تئاتر به عنوان دبیر و بنیانگذار جشنواره، نازیلانوریشاد، کارگردان تئاتر به عنوان مدیر اجرایی، پویک عظیم‌پور، پژوهشگر، مترجم و مدرس دانشگاه به عنوان مدیر شورای سیاستگذاری جشنواره، زینب لک کارگردان و پژوهشگر تئاتر به عنوان مدیر ارتباطات و رسانه جشنواره، شیدا لطفی، نمایشگر عروسکی، مدیر روابط بین‌الملل و فریما رضاییان پور، نمایشگر عروسکی به عنوان مدیر روابط عمومی جشنواره معرفی شدند.

کیانا شهرزوی، روابط عمومی و مسئول بخش مجازی، الیکاشفیعی، روابط عمومی و مسئول گفتگوهای مجازی، هدی بخشوده، روابط عمومی، لاله علیپور، گرافیکست و ساخت تیزر و مرصیه سرمشقی، رفعت هاشمی سی سخت به عنوان طراح و سازنده پوستر در این جشنواره حضور و همراهی دارند.

در این دوره، باصلاح‌دید و معرفی داوران جشنواره در بخش‌های مختلف، بازی‌دهی، طراحی صحنه و نور، متن و ... نفرات برگزیده خواهد داشت. اختتامیه جشنواره در ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد.

